

## دعای ۱۸۴ - مناجات خمس عشر مناجات بیمناکان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش فراگیر و مهربانی اش همیشگی است  
إِلَهِي أَتْرَاكَ<sup>۱</sup> بَعْدَ الْإِيمَانِ بِكَ تُعَذِّبُنِي؟ أَمْ  
بَعْدَ حُبِّي إِيَّاكَ تُبَعِّدُنِي؟ أَمْ مَعَ رَجَائِي لِرَحْمَتِكَ  
وَصَفْحِكَ تَحْرِمُنِي؟ أَمْ مَعَ اسْتِجَارَتِي بِعَفْوِكَ  
تُسَلِّمُنِي؟ حَاشَا لِرُؤُوسِكَ الْكَرِيمِ أَنْ تُخَيِّبَنِي،

محبوب من! آیا باور کنم بعد از این که به تو ایمان آوردم،  
مرا عذاب کنی؟ یا بعد از این که به تو عشق ورزیدم، مرا  
از خود برانی؟ آیا با وجود امیدی که به رحمت و گذشتت  
دارم، مرا ناامید خواهی کرد؟ یا با این که به عفو و بخششت  
پناه آورده‌ام، مرا به حال خود رها خواهی کرد؟ هرگز! از ذات  
بزرگوار کریم تو، بعید است که مرا ناامید کنی.

لَيْتَ شِعْرِي أَلِلَّشَقَاءَ وَوَلَدْتَنِي أُمِّي؟ أَمْ لِلْعَنَاءِ  
رَبَّتِّي؟ فَلَيْتَهَا لَمْ تَلِدْنِي وَلَمْ تُرَبِّبْنِي، وَلَيْتَنِي  
عَلِمْتُ أَمِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ جَعَلْتَنِي، وَبِقُرْبِكَ وَ  
جِوَارِكَ خَصَصْتَنِي؟ فَتَقَرَّرْ<sup>۲</sup> بِذَلِكَ عَيْنِي وَتَطْمِئِنَّ  
لَهُ نَفْسِي.



ای کاش می دانستم، آیا مادرم مرا برای بدبختی و شقاوت به دنیا آورده یا برای رنج کشیدن و تحمل سختی ها تربیت کرده است؟ ای کاش اصلاً مرا نمی زاید و نمی پرورید. ای کاش می فهمیدم آیا تو مرا از اهل سعادت قرار داده ای و برای نزدیکی و هم نشینی با خودت برگزیده ای؟ اگر چنین باشد، چشم روشن و دلم آرام خواهد شد.

إِلٰهِي هَلْ تَسَوَّدُ وُجُوهاً خَرَّتْ سَاجِدَةً لِعَظَمَتِكَ؟  
 أَوْ تُخْرِسُ أَلْسِنَةً نَطَقَتْ بِالثَّنَاءِ عَلٰى مَجْدِكَ  
 وَ جَلَالَتِكَ؟ أَوْ تَطْبَعُ عَلٰى قُلُوبِ انْطَوَتْ عَلٰى  
 مَحَبَّتِكَ؟ أَوْ تُصِمُّ أَسْمَاعًا تَلَذَّذَتْ بِسَمَاعِ ذِكْرِكَ  
 فِي إِرَادَتِكَ؟

محبوب من! آیا روی آنان که با فروتنی در برابر عظمت توبه سجده افتادند را سیاه خواهی کرد؟ یا زبان هایی که با شور و عشق، جلال و بزرگی ات راستودند، خاموش و لال خواهی کرد؟ آیا بر قلب هایی که سرشار از محبت توبودند، مهر خواهی زد؟ آیا گوش هایی که از شنیدن ذکر تولدت برده اند را ناشنوا خواهی کرد؟

أَوْ تُغْلُّ أَكْفًا رَفَعَتْهَا الْأَمَالُ إِلَيْكَ رَجَاءً رَأْفَتِكَ؟  
 أَوْ تُعَاقِبُ أَبْدَانًا عَمِلَتْ بِطَاعَتِكَ حَتَّى نَحَلَّتْ فِي  
 مُجَاهَدَتِكَ؟ أَوْ تُعَذِّبُ أَرْجُلًا سَعَتْ فِي عِبَادَتِكَ؟

آیا دست‌هایی را که با امید به مهربانی تو به سوی آسمان بلند شدند، به غل و زنجیر خواهی بست؟ آیا بدن‌هایی را که در راه اطاعتت تلاش کرده و در سختی‌های بندگی‌ات نحیف شدند، مجازات خواهی کرد؟ آیا پاهایی را که با عشق در مسیر بندگی تو گام برداشتند، عذاب خواهی کرد؟

إِلٰهِي لَا تُغْلِقْ عَلَيَّ مُوَحِّدِيكَ أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ،  
وَلَا تَحْجُبْ مُشْتَاقِيكَ عَنِ النَّظَرِ إِلَى جَمِيلِ  
رُؤْيَتِكَ،

محبوبم! درهای رحمت را به روی بندگان یکتاپرستت نبند و مشتاقانت را از مشاهده زیبای دیدارت محروم نکن.

إِلٰهِي نَفْسٌ أَعَزَّتْهَا بِتَوْحِيدِكَ كَيْفَ تُذِلُّهَا  
بِمَهَانَةِ هِجْرَانِكَ؟ وَضَمِيرٌ اِنْعَقَدَ عَلَيَّ مَوَدَّتِكَ  
كَيْفَ تُحْرِقُهُ بِحَرَارَةِ نِيرَانِكَ؟ إِلٰهِي أَجْرِنِي مِنْ  
أَلِيمِ غَضَبِكَ وَعَظِيمِ سَخَطِكَ.

محبوبم! نفسی که با توحیدت عزیزش کرده‌ای، چگونه ذلیل دوری و هجرانت خواهی کرد؟ و دلی که با محبتت گره خورده، چگونه با سوز آتش عذابت خواهی سوزاند؟ محبوبم! مرا از دردناکی خشم و بزرگی غضبت پناه بده.

يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ، يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَانُ، يَا جَبَّارُ  
 يَا قَهَّارُ، يَا غَفَّارُ يَا سَتَّارُ، نَجِّنِي بِرَحْمَتِكَ مِنْ  
 عَذَابِ النَّارِ، وَفَضِيحَةِ الْعَارِ، إِذَا امْتَّازَ الْأَخْيَارُ  
 مِنَ الْأَشْرَارِ، وَحَالَتِ الْأَحْوَالُ وَهَالَتِ الْأَهْوَالُ،  
 وَقَرَّبَ الْمُحْسِنُونَ وَبَعُدَ الْمُسِيئُونَ، ﴿وَوُفِّيَتْ  
 كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾.

ای بسیار مهربان و پراحسان، ای مهربان و ای صاحب رحمت فراگیر، ای توانا ای چیره، ای بسیار آمرزنده و ای بسیار پوشاننده عیب‌ها! با رحمت بی‌پایانت مرا از عذاب آتش و ننگ رسوایی نجات بده، آن‌گاه که نیکان از بدکاران جدا می‌شوند، و شرایط دگرگون می‌گردد و سختی‌ها و هراس‌ها آشکار می‌شوند. آن هنگام که نیکوکاران به مقام قرب و نزدیکی می‌رسند و بدکاران از رحمت دور می‌مانند و همه به پاداش یا جزای عمل خود می‌رسند و هیچ‌کس مورد ظلم قرار نمی‌گیرد.

پاورقی:

۱. در برخی نسخه‌ها: أَتْرَاكَ

۲. در برخی نسخه‌ها: فَتَقَرَّرَ